

آسیب پذیری زنان در سوانح طبیعی: یک برساخته اجتماعی

کرم حبیب پور کتابی^۱

چکیده

مقاله حاضر با تلفیقی از نظریه‌های برساخت‌گرایی اجتماعی و فمینیستی به بررسی کم‌وکیف آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی به منظور مدیریت بهینه ریسک سوانح طبیعی با هدف کاهش میزان آسیب‌پذیری آنان می‌پردازد. روش‌شناسی تحقیق کمی و روش آن پیمایش بوده است که بین ۷۶۸ نفر از زنان و مردان ۱۵ تا ۶۵ ساله دو شهر گرگان و کرمان براساس شیوه‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، طبقه‌بندی متناسب و تصادفی نظام‌مند انجام شده است. نتایج نشان داد که حوزه‌های مهم آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی عبارت بودند از: فقدان امنیت، فقدان اشتغال، فقدان یا ضعف آموزش در زمینه سوانح طبیعی و مشکلات فرهنگی یا انگاره‌های تفکر سنتی مردان در خصوص زنان و باورنداشتن به مشارکت زنان در سوانح. همچنین، دلایل مهم آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی، در مقایسه با مردان، عبارت بودند از: پتانسیل و زمینه آسیب‌پذیری بیشتر روحی و روانی زنان (به دلیل عاطفی بودن، داشتن ترس و اضطراب و...)، شرایط اجتماعی تعریف‌شده برای زنان در جامعه و رعایت نکردن حقوق زنان از طرف جامعه و مسئولان، آسیب‌پذیری جسمانی و فیزیکی زنان و حفظ حجاب در زمان وقوع سوانح و... . دلالت یافته‌ها بر آن است که سوانح طبیعی ذاتاً پدیده‌های اجتماعی‌اند و در ساختار یا نظام اجتماعی ریشه دارند. از این رو، آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی را می‌توان به‌منزله امری برساختی و نتیجه ساختارهای اجتماعی و نظام‌های معنایی آن دانست که تفکیک نقشی زن و مرد موجب تولید و بازتولید این آسیب‌پذیری می‌شود.

کلیدواژگان

آسیب‌پذیری، جنسیت، سوانح طبیعی، مدیریت ریسک.

طرح مسئله

امروزه، بسیار از رسانه‌های ارتباط جمعی می‌شنویم و می‌بینیم که هر از چند گاهی، به‌طور ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده، در گوشه‌ای از دنیا حادثه غیرمترقبه‌ای روی می‌دهد و چه بسیار خسارات و آسیب‌های مالی و جانی شایان توجهی نیز به بار می‌آورد. خسارات و پیامدهای ناشی از حوادث و سوانح به‌منزله یکی از عوامل اصلی بازدارنده توسعه در کشورهای حادثه‌خیز به‌شمار می‌آیند؛ مثلاً، مرکز پژوهشی اپیدمیولوژی سوانح^۱، وابسته به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰، ۴۰ نوع سوانح طبیعی را شناسایی کرد که در ایران از بین این حوادث و سوانح، ۳۱ مورد قابل شناسایی است. از طرفی، آمارها نشان می‌دهند که در ایران به ازای هر ۳ رویداد، حدود ۴۰۰ هزار نفر جان خود را از دست می‌دهند [۲۴]؛ مثلاً، در زلزله بم، تعداد کشته‌شدگان به ازای هر میلیون نفر برابر با ۱۰۷۴ نفر بود که حدود هزار برابر بیشتر از زلزله آمریکا (۰/۹۷ نفر) و متجاوز از صد برابر ژاپن (۹ نفر) است. البته نباید فراموش کرد که دفعات وقوع زلزله در آمریکا و ژاپن بسیار بیشتر از ایران است [۲۶].

از سوی دیگر، نگاه جنسیتی به سوانح طبیعی مؤلفه مهم دیگری را وارد عرصه مدیریت این سوانح می‌کند. جنسیت جنبه مهمی از موقعیت‌هایی است که به‌طور اجتماعی ساخت یافته است [۲۸]. زنان، در کنار کودکان، سالمندان و بزرگسالان وابسته، آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی از سوانح طبیعی‌اند. اما آنچه مسلم است این است که به‌رغم نقش مهم جنسیت در مراحل مختلف سوانح طبیعی، مقوله جنسیت هنوز آن‌طور که باید و شاید در تحقیقات و برنامه‌ریزی مورد توجه قرار نگرفته است. با وجود این، همان‌طور که انارسون اشاره می‌کند، در طول دهه گذشته، پارادایم جدیدی در این حوزه در حال ظهور است [۱۲].

جنسیت در آسیب‌پذیری پس از سانحه جایگاهی مهم دارد، زیرا زنان بیش از مردان در معرض آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرند. نامنی، بی‌سرپرستی، مشکلات بهداشتی، عدم تأمین منابع مالی و بی‌خانمانی، مخاطرات بیشتری برای زنان به همراه دارد تا مردان. حتی در خانواده‌هایی که کم‌وبیش سالم مانده‌اند، حجم کار زنان پس از فاجعه افزایش می‌یابد و شرایط کار خانه‌داری بسیار سخت‌تر از قبل می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد زنان به سبب طیفی از عوامل که بیانگر روندهای بنیادین اجتماعی است، مستعد آسیب‌اند. شاید زن بودن به خودی خود آسیب‌پذیری خاصی ایجاد نکند، اما این روندهای بنیادین اجتماعی و آن ساختارهای مشکل‌دار گذشته موجب آسیب‌پذیری خاص زنان می‌شود. عوامل چندی در این آسیب‌پذیری مؤثرند. برخی عوامل بیولوژیکی، مانند حاملگی و شیردهی، آسیب‌پذیری زنان را افزایش می‌دهد، زیرا در این زمان زنان، به‌رغم تحرک کمتر، نیاز بیشتری به آب و غذا دارند. در مرحله امدادسانی، ممکن

1. Center for Research on the Epidemiology of Disasters (CREED)

است این نیازهای خاص زنان نادیده گرفته شوند. به‌علاوه، فرصت‌های نابرابر شغلی و دسترسی نابرابر به اعتبارات و پشتوانه‌های اقتصادی نیز دامن‌گیر زنان است. همچنین، آنان از فرصت‌های نابرابر در آموزش، مشارکت و امتیازهای اجتماعی رنج می‌برند. علاوه بر این، زنان در معرض سوءاستفاده‌های جنسی پس از سوانح‌اند و مطالعات متعدد بیانگر آن است که زنان و دختران بیش از مردان و پسران از اختلالات عاطفی و استرس‌های روانی رنج می‌برند [۳].

افزون بر این، در بیشتر ادبیات مربوط به آسیب‌پذیری جنسیتی، زنان به‌عنوان جنس آسیب‌پذیرتر از مردان معرفی شده‌اند، زیرا نقش مراقبتی زنان از خانه و خانواده، و فقر شدیدتر آن‌ها در قیاس با گروه‌های اجتماعی، آنان را درگیر امور و فعالیت‌هایی می‌کند که در نتیجه آسیب‌پذیری آن‌ها در مقابل سوانحی نظیر زلزله، فروریختگی ساختمان، سیل، طوفان، رعد و برق و... را بیشتر می‌کند [۱۳]. طبق آمار موجود، حادثه سونامی جان ۴۰۰ هزار نفر از افراد در ۱۲ کشور را گرفت که در برخی مناطق و بخش‌ها تا ۸۰ درصد کشته‌شدگان زنان و کودکان بودند؛ مثلاً، در سریلانکا، بیش از ۵۰ درصد از قربانیان حادثه سونامی زنان، ۳۵ درصد کودکان و فقط ۱۵ درصد مردان بودند [۲۰].

شهرهای گرگان و کرمان به‌عنوان قلمروهای اصلی مطالعه در این تحقیق نیز از زمینه‌های آسیب‌پذیری خاصی در برابر بحران‌ها، به‌ویژه سیل و زلزله، برخوردارند و براساس توصیفات که درباره آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی ذکر کردیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که زنان در این دو شهر نیز از ریسک آسیب‌پذیری بالاتری در قیاس با مردان برخوردارند و معرفت به کم‌وکیف این آسیب‌پذیری و بسترهای شکل‌گیری و تداوم آن ضرورت انجام‌دادن مطالعه در این زمینه را نشان می‌دهد. با عنایت به چنین ملاحظاتی در خصوص وضعیت زنان در هنگام بروز سوانح و میزان آسیب‌پذیری آنان از یک‌سو و شیوه بهینه مدیریت ریسک این سوانح با هدف کاهش میزان آسیب‌پذیری زنان، پرسش‌های اساسی که هادی مسیر معرفتی و روشی این تحقیق بودند عبارت‌اند از اینکه: میزان و کیفیت آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی چگونه است؟ ریشه‌ها و زمینه‌های مقوم این آسیب‌پذیری کدام‌اند؟ مهم‌ترین موانع و راه‌کارهای مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی کدام‌اند؟ تحلیل جنسیتی آسیب‌پذیری زنان در مقایسه با مردان در سوانح طبیعی بیانگر چه واقعیاتی است؟

چارچوب نظری

در این تحقیق، براساس تلفیقی از دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی و نظریه فمینیستی، به بررسی ارتباط بین دو مقوله جنسیت و سوانح طبیعی پرداخته شده است. به‌عبارتی، هدف از کاربرد این دسته از نظریه‌ها آن است که دلایلی مبنی بر وضعیت و چرایی آسیب‌پذیری زنان در شرایط بروز سوانح طبیعی ارائه شود.

واژهٔ برساخت‌گرایی اجتماعی گرچه به لحاظ تاریخی در آثار مارکس و هگل ریشه دارد، در دوران معاصر، در آثار مانهایم و کتاب *برساخت اجتماعی واقعیت*^۱ (۱۹۶۶) نوشتهٔ برگر و لاکمن مشاهده می‌شود [۵]. برساخت‌گرایی اجتماعی وجود داشتن یا نداشتن یک مسئله را در ذات آن نمی‌بیند و ادعا می‌کند مسئله براساس نوع نگاه و برخورد ما ساخته می‌شود و برای تحلیل آن نیز مهم‌ترین مقوله تعریف ما از آن است. البته چگونگی این تعریف و به‌خصوص کسانی که تعریف را ارائه می‌دهند، در شکل‌گیری مسئله و تبدیل یک موضوع به مسئله نقشی مهم دارد. بنابراین، هیچ کاراکتر متمایز ذاتی و جهان‌شمولی وجود ندارد که بخواهیم آن‌ها را مردانه یا زنانه بدانیم. رفتارها تحت تأثیر عوامل متعددی همچون طبقه، توانایی، فرهنگ، دین، سن، بدن و ترجیح جنسی شکل می‌گیرند.

برساخت‌گرایی که در عین حال در پارادایم‌های پسامدرنی و پساساختارگرایی ریشه دارد، بر این باور است که دانش و معنا از طریق تعامل و با استفاده از زبان برساخت می‌یابد و این دانش به نوبهٔ خود تعامل انسانی را شکل می‌دهد. از نظر برساخت‌گرایی اجتماعی، دانش ما دربارهٔ جهان و خود در واقع ریشه‌اش به روابط برمی‌گردد؛ یعنی ما به شیوه‌ای رفتار می‌کنیم که از طریق تعاملاتمان با همدیگر تعریف شده است و زندگی‌مان از راه دیالوگ و گفت‌وگو با دیگران و در نتیجه به‌اشتراک‌گذاری معنا و تجاربمان با آن‌ها برساخته شده است. برساخت‌گرایی اجتماعی بر این فرض است که ما با بازتاب دادن تجاربمان در کمان از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را برمی‌سازیم. یعنی تجاربمان ما را به برساخت معنای زندگی‌مان هدایت می‌کند و این برساخت‌ها عام و جهان‌شمول نیستند، بلکه مبتنی بر بافت‌اند و در نتیجه تحت تأثیر دستکاری‌های مسلط یک زمان خاص‌اند [۱۰]. از نظر برساخت‌گرایی اجتماعی، شرایطی که جهان در آن درک می‌شود مصنوعات و برساختهٔ اجتماعی مبادلات موقعیت‌یافتهٔ تاریخی میان مردم‌اند [۱۴].

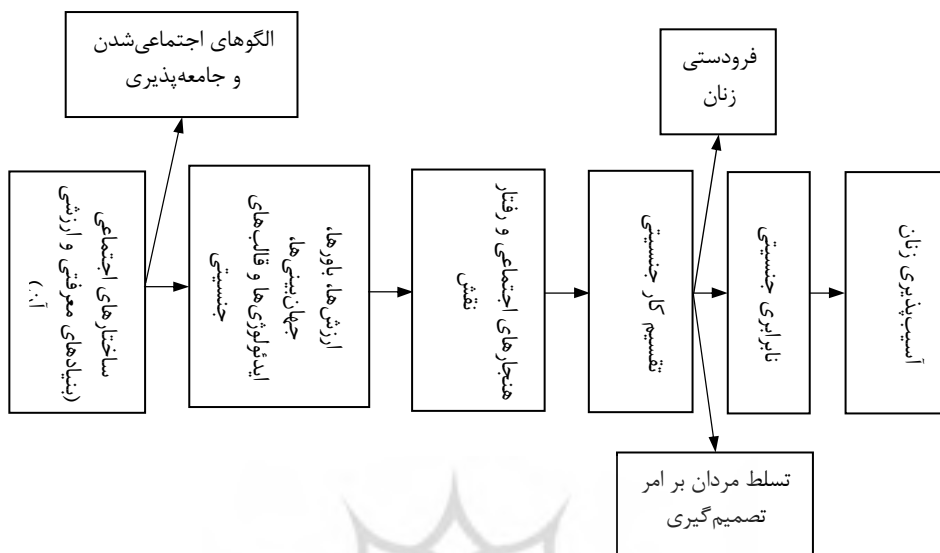
بنابراین، در بافت دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی، برنامه‌ریزی و مدیریت سوانح، تأثیرات و پاسخ به آن و حتی تحقیق دربارهٔ آن اساساً فرایندهای اجتماعی‌اند. در نتیجه، کل جهان در یک جو تبعیض‌آمیز علیه زنان اتفاق می‌افتد و جریان دارد. تجربهٔ اجتماعی سوانح، روابط، کردارها و نهادهای اجتماعی جنسیتی‌شده را بازتاب می‌دهد و سوانح در این نظام‌های اجتماعی کاملاً جنسیتی‌شده آشکار می‌شوند [۱۱]. در اکثر جوامع، مسئولیت‌ها و نقش‌های جنسیتی دسترسی زنان به منابع برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر سوانح را محدود می‌کند و مانع می‌شوند. کلیشه‌ها و انتظارات نقش جنسی تأثیر شدیدی بر زندگی روزمرهٔ زنان و مردان دارد و احتمالاً تأثیر آن در زمان بحران برجسته‌تر است. تفاوت‌های جنسیتی بر ارزیابی و پاسخ به ریسک، آمادگی و تخلیهٔ خانوار و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی تأثیر می‌نهد. نکتهٔ مهم در

1. *Social Construction of Reality*

بافت سوانح، مسئولیت سنگین مراقبت هم در داخل خانواده و هم در سازمان‌های پاسخ‌گوست. در سرتاسر جهان، زنان بیشترین سهم از مسئولیت رفع نیازهای روزمره اعضای خانواده، به‌ویژه کودکان و سالمندان، را دارند. این مسئولیت‌های خانگی حتی در زمان پس از بحران در خانه‌های ویران‌شده یا اسکان‌های موقت بیشتر شده و در نتیجه امکان حضور زنان در فعالیت‌های امدادی دولت و نیز وظایف بازسازی خانواده را دشوارتر از قبل می‌کند [۲۲].

در همین زمینه، نظریه فمینیستی در صدد است جهان و واقعیت را از زاویه زنان نگاه کند. نظریه فمینیستی در تحلیل‌های خود به موضوعاتی چون روابط میان افراد و ساختار اجتماعی، تجرب روزمره زنان و ساختار جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، سلطه مردان در روابط متقابل شخصی و شیوه‌های نهادی شدن این سلطه در جامعه می‌پردازد [۱]. بنابراین، براساس نظریه‌های فمینیستی، موقعیت فرودست زنان در جامعه از سوی ایدئولوژی‌های جنسیتی تداوم می‌یابد. در نتیجه، این امر موجب تولید و بازتولید آسیب‌پذیری جنسیتی در سوانح طبیعی می‌شود [۲۱]. براساس این نظریه‌ها، حاکمیت مردان بر جامعه و غالب‌شدن نگرش مردسالارانه در جامعه و نیز در نتیجه فرایندهای جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن، باورهای قالبی و انتظارات مربوط به نقش جنسیتی بین زنان و مردان شکل گرفته که براساس آن، نقش زن خانه‌داری و نقش مرد کار در بیرون از خانه است. این امر به نوبه خود بر حیات روزمره آن‌ها و در زمان وقوع بحران بر ارزیابی از ریسک، پاسخ به ریسک، آمادگی خانواده، تخلیه منزل، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خانواده، دریافت مساعدت از سازمان‌های ذیربط و بازسازی تأثیر می‌گذارد [۲۲]. از طرفی، برای بررسی وضعیت پس از سوانح نیز می‌توان ملاحظه کرد که به لحاظ تاریخی، حتی در مدیریت و بازسازی سوانح طبیعی نیز زنان نقشی مهم و تا اندازه‌ای به رسمیت‌نشناخته دارند. به عبارتی، حتی در زمینه مدیریت سوانح نیز با نوعی تقسیم کار جنسیتی مواجهیم. بدین معنا که زنان درگیر نقش‌های کوچک و عموماً کارهای خدماتی می‌شوند و در عوض مردان بر امور تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری متمرکزند.

خلاصه اینکه، ریشه اصلی آسیب‌پذیری بیشتر زنان در برابر سوانح طبیعی را باید ساختارهای اجتماعی و بنیادهای معرفتی و ارزشی آن دانست. این بنیادها براساس رویکرد مردانه شکل گرفته و همه مؤلفه‌های ساختاری را به نفع خود تعریف و عملیاتی خواهند کرد. بنابراین، تفاوت جنسیتی زنان و مردان به‌طور اجتماعی ساخت‌یافته و ساختارهای اجتماعی با تولید قالب‌هایی در زمینه ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای نقش و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح را فراهم و تقویت می‌کنند (شکل ۱).



شکل ۱. برساخت اجتماعی آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی

پیشینه تجربی

تاریخ اولین مطالعات مرتبط با سوانح طبیعی، که رویکرد جنسیتی به این سوانح داشتند، به اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. مرور بر این ادبیات نشان می‌دهد که یک الگوی تفاوت جنسیتی در همه سطوح فرایند سوانح طبیعی اعم از در معرض ریسک قرار گرفتن، برداشت از ریسک، آمادگی، پاسخ، تأثیر فیزیکی، تأثیر روان‌شناختی، تأثیر جامعه‌شناختی، بازیابی و بازسازی وجود دارد [۳۰]. غالب این مطالعات آسیب‌پذیری زنان را از یک یا چند بُعد مورد توجه قرار داده و از بررسی همه ابعاد آن غافل مانده‌اند. از این‌رو، مزیت اصلی تحقیق حاضر نسبت به سایر مطالعات پیشین، در نظر گرفتن آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی با همه ابعاد آن است که در چهار بُعد فیزیکی و بهداشتی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی دسته‌بندی و بررسی شده‌اند. مثلاً، مطالعات داخلی [۳؛ ۴] و خارجی [۶؛ ۷؛ ۲۰؛ ۲۳؛ ۳۰] یکی از آسیب‌های شایع زنان در سوانح طبیعی را آسیب‌های بهداشتی دانسته‌اند. آسیب‌های روان‌شناختی زنان در زمان سوانح طبیعی نیز از سوی مطالعات داخلی [۳؛ ۴] و خارجی [۱۱؛ ۲۰؛ ۲۳؛ ۲۵؛ ۲۹] اذعان شده‌اند. آسیب‌پذیری اقتصادی زنان در سوانح طبیعی از سوی مطالعات خارجی بررسی شده که در این مطالعات به مؤلفه‌های بیکاری [۸؛ ۱۱؛ ۳۰] و وابستگی اقتصادی زنان به مردان [۲۰] اشاره شده است. علاوه بر این، مطالعات خارجی به نتایجی مبنی بر حضور نداشتن زنان در تصمیم‌گیری [۸؛ ۹] و مدیریت کمپ‌ها، به خصوص هنگام تخصیص پناهگاه‌ها و کمک‌ها [۶]،

دریافتند. همچنین، در رابطه با خشونت جنسی و خانگی علیه زنان، مطالعات خارجی متعدد [۶؛ ۸؛ ۹؛ ۱۱؛ ۱۵؛ ۲۰؛ ۲۹] به نتایجی در این زمینه دست یافتند.

همان‌طور که اشاره شد، ضعف و به عبارتی کمبودهای پژوهشی اصلی که در مطالعات قبلی وجود داشته و تحقیق حاضر بنا دارد سطحی از آن را پوشش دهد، فرارفتن از نگاه تک‌ساحتی به آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی و اختیار کردن نگاه چندساحتی به این موضوع است که در مطالعات قبلی مفقود مانده است؛ ضمن اینکه رویکرد اصلی مطالعه حاضر جامعه‌شناختی است، درحالی‌که اکثر قریب به اتفاق مطالعات قبلی در زمینه مدیریت ریسک سوانح طبیعی در چارچوب رشته مدیریت بحران صورت گرفته و با ضعف مطالعات مدیریت بحران از منظر جامعه‌شناسی مواجهیم.

روش‌شناسی

ماهیت و روش تحقیق

روش‌شناسی تحقیق حاضر کمی و روش آن پیمایش همراه با تکنیک پرسش‌نامه بوده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق زنان و مردان ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در نقاط شهری دو شهر گرگان و کرمانند که از بین آن‌ها تعداد ۳۸۴ نفر از هر شهر (در مجموع ۷۶۸ نفر) براساس فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. دلیل انتخاب دو شهر گرگان و کرمان به‌منزله قلمرو مطالعه‌شده، آسیب‌پذیری بالای این دو شهر در دو سانحه سیل (گرگان) و زلزله (کرمان) در سال‌های اخیر بوده است.

اما در مرحله بعد، برای انتخاب حجم نمونه زنان (۳۷۹ نفر) و مردان (۳۸۹ نفر) در دو شهر گرگان و کرمان، از روش نمونه‌گیری مطابق متناسب استفاده شد؛ یعنی حجم نمونه برحسب جنسیت، به نسبت جمعیت زنان و مردان در این دو شهر محاسبه شد. در مرحله بعد، برای تکمیل پرسش‌نامه بین زنان و مردان دو شهر گرگان و کرمان از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و نظام‌مند برحسب مناطق جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر استفاده شد.

افزون بر این، سعی شد با پوشش دادن نسبت‌های تقریباً برابری از زیرجمعیت‌های سنی (۱۵ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۵ سال و ۴۶ تا ۶۵ سال)، شاغل و غیرشاغل، دانش‌آموز و دانشجو و همچنین موقعیت طبقاتی پاسخ‌گویان برحسب مناطق جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر، داده‌ها و اطلاعات بیشتر و درعین حال دقیق‌تری از جمعیت مطالعه‌شده به‌دست آید تا از این طریق بتوان پرتو روشنی بر موضوع آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی افکند. پس از آن، به

منظور قرار گرفتن گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در چارچوب نمونه تحقیق با استفاده از نقشه بلوک‌ها، کلیه حوزه‌ها و بلوک‌ها مشخص و سپس با توجه به نمونه‌گیری خوشه‌ای بلوک‌های داخل هریک از حوزه‌های مناطق تعیین شدند. در ادامه، در داخل هریک از بلوک‌ها به انتخاب خانوارها اقدام شد. در ضمن، تعداد پرسش‌نامه اختصاص یافته برای هر بلوک به جمعیت آن بلوک بستگی داشت؛ مثلاً، بلوکی که ۵۰ خانوار جمعیت داشت، با توجه به نسبت جمعیت آن بلوک به جمعیت کل شهر، تعداد ۵ پرسش‌نامه از آن بلوک تکمیل شد. ضمن آنکه انتخاب این ۵ پرسش‌نامه براساس روش نمونه‌گیری نظام‌مند بوده است؛ به طوری که از هر ۱۰ خانوار یک خانوار به صورت نمونه انتخاب و از آن خانوار یک پرسش‌نامه تکمیل شد.

سنجش‌ها

سانحه طبیعی: یک پدیده ناگهانی طبیعی که کارکردها، ساخت و نهادهای اجتماعی را برای یک دوره زمانی به هم می‌ریزد. بنابراین، سانحه یک پدیده اجتماعی است که موجب بهم‌ریختگی نهادهای اجتماعی در یک دوره می‌شود، ولی باعث از بین رفتن این نهادها نمی‌شود و جامعه به زندگی خود ادامه می‌دهد [۲]. سوانح طبیعی‌ای که در این تحقیق مورد نظر بوده، شامل دو سانحه سیل (در استان گرگان) و زلزله (در استان کرمان) بوده است.

آسیب‌پذیری: عبارت است از ویژگی‌های یک فرد یا گروه و موقعیت آن‌ها که بر ظرفیتشان در پیش‌بینی، مقابله، مقاومت و بازتوانی از تأثیر یک سانحه طبیعی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، آسیب‌پذیری به معنای در معرض قرار گرفتن و ظرفیت متفاوت افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در مواجهه با ریسک‌هایی است که به‌طور منظم برای آن‌ها پیش می‌آید و تابع ویژگی‌هایی همچون قومیت، طبقه و جنسیت است [۲۶]. در این تحقیق، آسیب‌پذیری زنان در چهار بعد فیزیکی و بهداشتی (۱۸ مورد)، روان‌شناختی (۱۵ مورد) و اجتماعی و فرهنگی (۱۳ مورد) سنجش و بررسی شده است. برای هریک از این ابعاد، چندین مورد با طیف لیکرت سه‌گزینه‌ای از کم (با کد ۱) تا زیاد (با کد ۳) در نظر گرفته شد و طی آن از پاسخ‌گویان خواسته شد میزان آسیب‌پذیری زنان در هریک از موارد را بیان کنند. نتایج پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در مرحله پیش‌آزمون در بین ۳۰ نفر از جامعه آماری نشان داد که در مورد همه مقیاس‌های آسیب‌پذیری (آسیب‌پذیری فیزیکی و بهداشتی، $\alpha=0.78$ ؛ آسیب‌پذیری روان‌شناختی، $\alpha=0.73$ ؛ آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی، $\alpha=0.69$)، مقدار آلفا بالاست و این نشان‌دهنده میزان بالای سازگاری درونی گویه‌های مربوط به این مقیاس‌ها در جهت سنجش و بررسی آن‌هاست.

یافته‌ها

توصیف بافت نمونه

جنس: حدود نیمی (۴۹/۴ درصد) از پاسخ‌گویان تحقیق را زنان و بقیه (۵۰/۶ درصد) را مردان تشکیل داده‌اند.

سن: بیش از نیمی (۵۶ درصد) از پاسخ‌گویان در گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ و ۳۰ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ و ۱۴ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۶۵ قرار داشته‌اند.

وضع تأهل: بیش از دوسوم (۶۷ درصد) از پاسخ‌گویان متأهل، ۳۰ درصد مجرد و ۱/۴ درصد مطلقه یا بیوه بوده‌اند.

تحصیلات: بیش از دوپنجم (۴۳/۸ درصد) پاسخ‌گویان دارای تحصیلات بالا (کارشناسی و بالاتر)، ۴۲/۶ درصد متوسط (دیپلم) و ۱۲/۴ درصد پایین (راهنمایی و پایین‌تر) بوده‌اند.

وضعیت اشتغال: بیش از نیمی (۵۶/۴ درصد) از پاسخ‌گویان این تحقیق غیرشاغل و ۴۳/۶ درصد بقیه شاغل بوده‌اند.

جدول ۱. توزیع نسبی بافت جمعیتی نمونه (%)

متغیرها	مقولات	گرگان			کرمان			کل نهایی
		زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	
جنس	-	۵۰	۵۰	۱۰۰	۴۸/۷	۵۱/۳	۱۰۰	-
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۷۴/۵	۶۰/۴	۶۷/۴	۴۹/۲	۴۰/۶	۴۴/۹	۵۶
	۳۱ تا ۴۵ سال	۲۲/۹	۳۱/۳	۲۷/۱	۳۴/۸	۳۱	۳۲/۹	۳۰
	۴۶ تا ۶۵ سال	۲/۶	۸/۳	۵/۵	۱۶	۲۸/۴	۲۲/۲	۱۴
وضعیت تأهل	متأهل	۴۴/۸	۷۱/۹	۵۸/۳	۷۶/۵	۷۴/۶	۷۵/۵	۶۷
	مجرد	۵۲/۶	۲۲/۴	۳۷/۵	۲۱/۹	۲۴/۹	۲۳/۴	۳۰
	مطلقه یا بیوه	۲/۱	۳/۱	۲/۶	۱/۶	۰/۵	۱/۱	۱/۴
	عدم اظهار	۰/۵	۲/۶	۱/۶	۰	۰	۰	۱/۶
میزان تحصیلات	بی‌سواد	۰	۰	۰	۱/۱	۲	۱/۶	۱/۶
	راهنمایی و پایین‌تر (سواد پایین)	۶/۵	۳/۸	۵/۱	۲۱	۱۸/۴	۱۹/۷	۱۲/۴
	دیپلم (سواد متوسط)	۴۵/۲	۳۷/۲	۴۱/۲	۴۸/۴	۳۹/۸	۴۴	۴۲/۶
	کارشناسی	۴۲/۵	۵۰/۸	۴۶/۶	۲۷/۴	۳۴/۷	۳۱	۳۸/۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر (سواد بالا)	۵/۹	۸/۲	۷	۲/۲	۵/۱	۳/۷	۵
وضعیت اشتغال	غیرشاغل	۸۰/۲	۲۳/۴	۵۱/۸	۹۷/۹	۲۵/۹	۶۱/۹	۵۶/۴
شاغل	۱۹/۸	۷۶/۶	۴۸/۲	۲/۱	۷۴/۱	۳۸/۱	۴۳/۶	

آسیب پذیری زنان در سوانح طبیعی

حوزه‌های مهم آسیب پذیری زنان در سوانح طبیعی

در مورد حوزه‌های مهم آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی، نتایج نشان داد که این حوزه‌ها به ترتیب شامل فقدان اشتغال (با ۲۵/۸ درصد)، فقدان امنیت کافی (۲۵/۱ درصد) و مشکلات فرهنگی مانند تفکر سنتی مردان در مورد زنان (۸/۶ درصد) هستند.

آسیب‌پذیری‌های مهم فیزیکی و بهداشتی زنان بعد از وقوع سوانح طبیعی

نتایج حاصل از بررسی آسیب‌پذیری‌های مهم فیزیکی و بهداشتی زنان در زمان بعد از وقوع سوانح طبیعی نشان داد که نبود آب شرب بهداشتی بعد از وقوع زلزله یا سیل از آسیب‌پذیری‌های مهم بهداشتی زنان در سوانح است ($M=۳/۵۳$ ، $SD=۰/۷۳$) و دیگر آسیب‌پذیری‌های آنان در این حوزه مربوط به توزیع نکردن امکانات اولیه پزشکی (مانند داروهای ضروری) ($M=۳/۴۸$ ، $SD=۰/۷۷$)، مجهز نبودن کمپ و چادرهای اسکان موقت (به امکاناتی مانند تعداد و فضای مناسب و تناسب آن با تعداد اعضای خانواده) ($M=۳/۴۲$ ، $SD=۰/۷۷$)، نبود تیم‌های پزشکی مرکب از زنان در حوزه‌های بهداشت، درمان، زنان و زایمان و... ($M=۳/۴۰$ ، $SD=۰/۸۴$) و نامناسب بودن شرایط حمام (مانند نبود یا کمبود حمام زنانه، مکان نامناسب حمام و...) ($M=۳/۳۹$ ، $SD=۰/۸۲$) بوده است.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های فیزیکی و بهداشتی زنان

بعد از وقوع سوانح طبیعی

آسیب‌پذیری‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	نمی‌دانم	M	SD	جمع
۱. نبود غذای کافی بعد از وقوع زلزله یا سیل	۲/۲	۱۵/۵	۲۸/۵	۵۱/۹	۱/۹	۳/۳۳	۰/۸۲	۱۰۰
۲. نبود پوشاک کافی بعد از وقوع زلزله یا سیل	۱/۴	۱۹	۳۲/۸	۴۴/۵	۲/۳	۳/۲۳	۰/۸۱	۱۰۰
۳. مجهز نکردن کمپ و چادرهای اسکان موقت (به امکاناتی مانند تعداد و فضای مناسب و تناسب آن با تعداد اعضای خانواده)	۱/۷	۱۱/۸	۲۷/۱	۵۶	۳/۴	۳/۴۲	۰/۷۷	۱۰۰
۴. فراهم نبودن امکانات مناسب آشپزی	۱۲/۳	۳۲/۹	۲۹	۲۰/۳	۲/۸	۲/۶۴	۰/۹۸	۱۰۰
۵. نبود فضای خصوصی برای زنان	۹/۵	۱۹/۳	۲۴/۵	۴۴/۲	۲/۵	۳/۰۶	۱/۰۲	۱۰۰
۶. نبود آب شرب بهداشتی بعد از وقوع زلزله یا سیل	۱/۸	۸/۴	۲۳/۸	۶۳/۴	۲/۶	۳/۵۳	۰/۷۳	۱۰۰
۷. نبود آب برای شست‌وشوی لباس بعد از وقوع زلزله یا سیل	۵/۹	۲۶/۸	۲۵/۹	۳۷/۴	۴	۳/۹۸	۰/۹۶	۱۰۰

آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی... ۴۶۷

آسیب‌پذیری‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	نمی‌دانم	M	SD	جمع
۸. نداشتن سوخت کافی برای گرم کردن کمپ‌ها	۱,۷	۱۴,۲	۲۹,۳	۵۱,۸	۳	۳,۳۵	۰,۷۹	۱۰۰
۹. توزیع نکردن امکانات اولیه پزشکی (مانند داروهای ضروری)	۱,۸	۱۰,۸	۲۳	۶۰,۵	۳,۹	۳,۴۸	۰,۷۷	۱۰۰
۱۰. نبود تیم‌های پزشکی مرکب از زنان در حوزه‌های بهداشت، درمان، زنان و زایمان و...	۲,۵	۱۵,۲	۲۰,۸	۵۸,۷	۲,۸	۳,۴۰	۰,۸۴	۱۰۰
۱۱. نبود امکانات مربوط به دوره قاعدگی زنان	۶,۸	۱۹,۵	۱۷,۶	۵۳,۴	۲,۷	۳,۲۱	۰,۹۹	۱۰۰
۱۲. بی‌توجهی به امکانات زنان باردار در کمپ‌ها	۴,۶	۱۴,۷	۲۳,۳	۵۴,۱	۳,۲	۳,۳۱	۰,۹۰	۱۰۰
۱۳. بی‌توجهی به امکانات و وسایل زایمان زنان	۴,۹	۱۴,۴	۲۱,۳	۵۴,۷	۴,۷	۳,۳۲	۰,۹۱	۱۰۰
۱۴. نبود امکانات مربوط به تنظیم خانواده (قرص ضدبارداری، کاندوم و...)	۳۱,۳	۲۸,۷	۱۷,۸	۱۸,۷	۳,۵	۲,۲۵	۱,۱۱	۱۰۰
۱۵. نامناسب بودن شرایط توالت (مانند دوری از کمپ، پوشیده بودن، نزدیکی به کمپ و...)	۳,۵	۱۳,۹	۲۶,۴	۵۲,۴	۳,۸	۳,۳۳	۰,۸۵	۱۰۰
۱۶. نامناسب بودن شرایط حمام (مانند نبود یا کمبود حمام زنانه، مکان نامناسب حمام و...)	۳,۴	۱۱	۲۶,۸	۵۵,۶	۳,۲	۳,۳۹	۰,۸۲	۱۰۰
۱۷. بی‌توجهی به مسائل بهداشت محیط در کمپ‌ها (مانند نزدیکی فضلاب به کمپ‌ها و...)	۳,۴	۱۶	۲۵,۶	۴۸	۳	۳,۲۶	۰,۸۶	۱۰۰
۱۸. بی‌توجهی به نیازهای خاص زنان سالمند (مانند غذای مخصوص، عینک و...)	۶,۶	۲۸,۲	۳۳,۷	۲۸,۶	۲,۷	۲,۸۷	۰,۹۲	۱۰۰

آسیب‌پذیری‌های مهم روان‌شناختی زنان بعد از وقوع سوانح طبیعی

در حوزه روان‌شناختی، بیشترین آسیب‌پذیری زنان مربوط به احساس ناامنی و ترس در برابر سوانح طبیعی بوده است (۶۳/۸٪؛ $M=۳,۵۵$ ، $SD=۰,۶۹$). از دیگر آسیب‌پذیری‌های زنان در این حوزه، موارد ذیل شایع بوده است: احساس گناه و سرزنش به دلیل نجات‌ندادن اعضای خانواده (۶۴/۹٪؛ $M=۳,۵۲$ ، $SD=۰,۷۶$)، ترس از وقوع مجدد حادثه (۶۳/۸٪؛ $M=۳,۵۱$ ، $SD=۰,۷۶$)، بی‌نظمی‌ها و فشارهای عاطفی، روحی و روانی (۶۱/۲٪؛ $M=۳,۴۷$ ، $SD=۰,۷۷$) و احساس افسردگی (۵۵/۱٪؛ $M=۳,۳۶$ ، $SD=۰,۸۱$).

جدول ۳. توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب آسیب‌پذیری‌های مهم روان‌شناختی زنان بعد از وقوع سوانح طبیعی

آسیب‌پذیری‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	نمی‌دانم	M	SD	جمع
۱. احساس گناه و سرزنش به دلیل نجات‌ندادن اعضای خانواده	۱٫۸	۱۰٫۳	۲۱٫۱	۶۴٫۹	۱٫۹	۳٫۵۲	۰٫۷۶	۱۰۰
۲. بی‌نظمی‌ها و فشارهای عاطفی، روحی و روانی	۱٫۵	۱۲٫۲	۲۳٫۲	۶۱٫۲	۱٫۹	۳٫۴۷	۰٫۷۷	۱۰۰
۳. از بین رفتن زیبایی فیزیکی و نبود امکانات آرایشی	۳۹٫۵	۲۵	۱۶	۱۴	۵٫۲	۲٫۰۳	۱٫۰۹	۱۰۰
۴. احساس فقدان و از دست‌دادن عزیزان پس از واقعه	۰٫۶	۶٫۱	۱۴٫۲	۷۷٫۱	۲	۲٫۷۱	۰٫۶۱	۱۰۰
۵. احساس افسردگی	۱٫۳	۱۶٫۵	۲۵٫۲	۵۵٫۱	۱٫۹	۳٫۳۶	۰٫۸۱	۱۰۰
۶. احساس ناامنی و ترس در برابر سوانح طبیعی	۱٫۴	۷٫۲	۲۵٫۴	۶۳٫۸	۲٫۲	۳٫۵۵	۰٫۶۹	۱۰۰
۷. کاهش اطمینان و اعتماد به نفس	۳٫۲	۱۵٫۵	۲۸٫۲	۵۰٫۸	۲٫۲	۳٫۲۹	۰٫۸۵	۱۰۰
۸. کاهش امید به آینده	۵٫۵	۱۵٫۲	۲۶٫۹	۴۳٫۲	۱٫۷	۳٫۲۵	۰٫۹۱	۱۰۰
۹. کم‌خوابی	۱۱٫۲	۲۲٫۳	۲۵٫۴	۳۹	۲٫۱	۲٫۹۴	۱٫۰۴	۱۰۰
۱۰. دیدن کابوس در شب	۱۶٫۶	۲۴٫۵	۱۸٫۳	۳۷٫۴	۲٫۹	۲٫۷۹	۱٫۱۳	۱۰۰
۱۱. اضطراب، نگرانی و دلهره	۳٫۵	۱۳	۲۶٫۵	۵۵٫۲	۱٫۸	۳٫۳۶	۰٫۸۴	۱۰۰
۱۲. ترس از وقوع مجدد حادثه	۱٫۹	۱۰٫۴	۲۱٫۷	۶۳٫۸	۲٫۱	۳٫۵۱	۰٫۷۶	۱۰۰
۱۳. سردرد	۹٫۶	۲۵٫۶	۲۷٫۲	۳۷٫۹	۲٫۱	۲٫۹۸	۰٫۹۷	۱۰۰
۱۴. تپش قلب	۸٫۵	۲۴٫۷	۲۶٫۴	۳۸٫۲	۲٫۲	۲٫۹۶	۰٫۹۹	۱۰۰
۱۵. کوفتگی بدن	۳٫۶	۱۸	۲۷٫۵	۴۷٫۲	۳٫۶	۳٫۲۳	۰٫۸۸	۱۰۰

آسیب‌پذیری‌های مهم اجتماعی و فرهنگی زنان بعد از وقوع سوانح طبیعی

نداشتن امنیت جانی در کمپ‌ها مهم‌ترین آسیب‌پذیری زنان در حوزه اجتماعی و فرهنگی است (۵۶٫۸٪؛ $M=۳٫۳۷$ ، $SD=۰٫۸۵$). از دیگر مصادیق آسیب‌پذیری زنان در این حوزه، اطلاع‌رسانی ناکافی در خصوص وضعیت سلامت سایر اعضای خانواده (به خصوص در روزهای ابتدایی بعد از حادثه) (۵۶٫۵٪؛ $M=۳٫۳۶$ ، $SD=۰٫۸۸$)، پوشیده‌نبودن کمپ‌ها و رعایت نکردن حریم خصوصی، ملاحظات مذهبی و حجب و حیا (۴۹٫۳٪؛ $M=۳٫۲۸$ ، $SD=۰٫۸۴$)، امکان سرقت بیشتر از زنان در مقایسه با مردان (۵۲٫۳٪؛ $M=۳٫۲۶$ ، $SD=۰٫۹۲$) و اطلاع‌رسانی ناکافی در خصوص امکانات و خدمات خاص زنان (۴۶٫۲٪؛ $M=۳٫۲۶$ ، $SD=۰٫۸۴$) است.

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب آسیب‌پذیری‌های مهم اجتماعی و فرهنگی زنان بعد از وقوع سوانح طبیعی

آسیب‌پذیری‌ها	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	نمی‌دانم	M	SD	جمع
۱. نابرابری زنان با مردان در دریافت امکانات و تجهیزات	۷,۴	۲۰,۳	۲۷,۸	۴۱,۸	۲,۸	۳,۰۷	۰,۹۷	۱۰۰
۲. سوءاستفاده از زنان و تجاوز جنسی و... به آن‌ها	۷,۴	۱۷,۳	۲۳,۸	۴۹	۲,۴	۳,۱۷	۰,۹۸	۱۰۰
۳. نداشتن امنیت جانی در کمپ‌ها	۳,۵	۱۳,۵	۲۳,۶	۵۶,۸	۲,۶	۳,۳۷	۰,۸۵	۱۰۰
۴. امکان سرقت بیشتر از زنان در مقایسه با مردان	۴,۸	۱۷	۲۳	۵۲,۳	۲,۹	۳,۲۶	۰,۹۲	۱۰۰
۵. پوشیده‌نبودن کمپ‌ها و رعایت نکردن حریم خصوصی، ملاحظات مذهبی و حجب و حیا	۲,۹	۱۵,۶	۳۰	۴۹,۳	۲,۲	۳,۲۸	۰,۸۴	۱۰۰
۶. فحاشی و ضرب و جرح مردان علیه زنان	۱۴,۲	۲۷,۲	۲۶,۵	۲۸,۸	۳,۳	۲,۷۲	۱,۰۴	۱۰۰
۷. منزوی شدن زنان در کمپ‌ها و عدم حضور در فعالیت‌های امدادی	۹,۱	۲۲,۴	۲۵,۲	۴۰,۳	۳	۲,۹۹	۱,۰۱	۱۰۰
۸. اطلاع‌رسانی ناکافی درخصوص امکانات و خدمات خاص زنان	۲,۸	۱۶	۳۰,۹	۴۶,۲	۴,۱	۳,۲۶	۰,۸۴	۱۰۰
۹. اطلاع‌رسانی ناکافی درخصوص وضعیت سلامت سایر اعضای خانواده (به‌خصوص در روزهای ابتدایی بعد از حادثه)	۴,۵	۱۲,۹	۲۲,۶	۵۶,۵	۳,۵	۳,۳۶	۰,۸۸	۱۰۰
۱۰. ازدواج اجباری دختران در دوران بعد از واقعه	۲۲	۲۸,۴	۱۵,۶	۳۱,۴	۲,۶	۲,۵۸	۱,۱۶	۱۰۰
۱۱. از بین رفتن ارتباط با فامیل، دوستان و اهالی محل	۱۱,۸	۱۹,۵	۲۶,۲	۳۹	۳,۴	۲,۹۶	۱,۰۵	۱۰۰
۱۲. حضور نداشتن در مراحل مختلف بازسازی (تصمیم‌گیری، مشاوره، اجرا و نظارت)	۹,۲	۳۰,۸	۲۹,۳	۲۶,۷	۴	۲,۷۷	۰,۹۶	۱۰۰
۱۳. تخریب مدارس دختران در مقاطع مختلف و طولانی شدن مدت بازسازی آن‌ها	۷,۶	۲۱,۷	۳۰,۲	۳۷,۶	۲,۹	۳	۰,۹۶	۱۰۰

تفاوت آسیب‌پذیری زنان و مردان در سوانح طبیعی

درخصوص تفاوت آسیب‌پذیری زنان و مردان در زمان وقوع سوانح طبیعی، ۶۴ درصد پاسخ‌گویان بر این باور بودند که در زمان وقوع سوانح طبیعی زنان بیش از مردان آسیب می‌بینند. حدود ۳۲,۴ درصد از آنان نیز نسبت آسیب‌پذیری زنان و مردان در برابر سوانح طبیعی را برابر عنوان کرده‌اند.

همچنین، زنان و مردان معتقد بودند اگر سوانح طبیعی رخ دهد، ابتدا زنان بیش از همه و

دانش زنان درباره سوانح طبیعی

میزان اطلاعات در زمینه سوانح طبیعی: حدود یک‌پنجم (۲۶/۲ درصد) از پاسخ‌گویان اطلاعات کم و ۱۶/۲ درصد اطلاعات زیادی در خصوص سوانح طبیعی داشته‌اند.

نوع اطلاعات یا مهارت به منظور کاهش خطرات سوانح طبیعی: پناه‌گرفتن در مکان‌های امن خانه و ساختمان و ارتفاعات (۲۶ درصد)، داشتن اطلاعات لازم در زمینه کمک‌های اولیه (۲۱/۴ درصد) و داشتن ایمان به خدا و حفظ اعتمادبه‌نفس (۴/۷ درصد) به ترتیب توانمندی مهم پاسخ‌گویان برای کاهش خطرات سوانح طبیعی بوده‌اند.

منابع کسب اطلاعات در خصوص سوانح طبیعی: صداوسیما (رادیو و تلویزیون) (۴۳/۹ درصد)، رسانه‌های گروهی همچون روزنامه‌ها، فیلم و اینترنت (۲۵/۵ درصد) و مطالعات درسی و غیردرسی و بروشور (۱۶/۵ درصد) به ترتیب منابع مهمی هستند که پاسخ‌گویان از طریق آن‌ها راجع به سوانح طبیعی اطلاعات کسب می‌کنند.

بهترین روش‌های اطلاع‌رسانی به زنان جهت کاهش خطرات سوانح طبیعی: رادیو و تلویزیون کشوری یا ملی (۳۲/۷ درصد)، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ادارات و مدارس و تشکل‌های مردمی در محلات (۱۷/۸ درصد) و رادیو و تلویزیون استان (۱۸ درصد) به ترتیب بهترین روش‌هایی هستند که می‌توان از طریق آن‌ها اطلاعات لازم در خصوص سوانح طبیعی را به زنان انتقال داد.

تجربه سوانح طبیعی

تجربه سوانح طبیعی در زندگی: قریب به دوسوم (۶۴ درصد) از پاسخ‌گویان گفته‌اند که در طول زندگی خود تجربه سوانح طبیعی داشته و بقیه پاسخ‌گویان (۳۶/۱ درصد) فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند.

خلأ امکانات یا اقدامات مورد نیاز: به‌زعم پاسخ‌گویانی که در زندگی خود تجربه سوانح طبیعی داشتند، مواردی همچون فقدان ارائه کمک‌های روحی و روانی (۳۳ درصد)، کمبود امکانات و وسایل کمک‌های اولیه (۹/۷ درصد) و توزیع نشدن امکانات رفاهی (۹ درصد) به ترتیب امکانات مهمی بودند که خلأ آن‌ها در زمان وقوع سوانح احساس می‌شد.

خلأ مهارت‌های مورد نیاز در زمان تجربه سوانح طبیعی: آشنایی با کمک‌های امدادی و بهداشتی مانند کمک‌های اولیه و امدادی و مسائل بهداشتی و... (۳۳/۲ درصد)، گذراندن دوره‌های آموزشی مختلف مانند شنا، رانندگی و... (۱۲/۴ درصد) و حفظ خون‌سردی و اعتمادبه‌نفس (۱۰/۲ درصد) به ترتیب به‌منزله مجموعه مهارت‌هایی بوده‌اند که پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند در صورت تسلط به آن‌ها بهتر می‌توانستند با سوانح طبیعی مواجه شوند.

تلاش برای کسب مهارت‌های مورد نیاز جهت مواجهه با سوانح طبیعی: حدود ۲۹/۲ درصد

از پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند که پس از تجربه قبلی سوانح طبیعی، به دنبال کسب مهارت‌های مورد نیاز برای مواجهه بهتر با آن رفتند. این در حالی است که ۸ درصد از آنان چنین تلاشی را صورت نداده‌اند.

نوع تلاش جهت کسب مهارت‌های مورد نیاز: فراگیری نحوه استفاده از جعبه کمک‌های اولیه (۳۸/۶ درصد)، فراگیری دوره‌های امداد و نجات (۲۶/۲ درصد) و افزایش دانش و اطلاعات در زمینه سوانح طبیعی (۹ درصد).

مهارت‌های مقابله با سوانح طبیعی

اولین اقدام ناگهانی در هنگام بروز سیل: درخصوص اولین اقدام ناگهانی در هنگام بروز سیل، پاسخ‌گویان این تحقیق اظهار داشته‌اند که اگر سیلی اتفاق بیفتد، اولین اقدامی که انجام می‌دهند عبارت است از: شناسایی اماکن امن و رفتن به آنجا (۴۶/۲ درصد)، کمک به دیگران در جهت حفظ جان آنان (۱۴/۴ درصد) و فرار از محل حادثه در جهت حفظ جان خود (۱۳/۸ درصد).

اولین اقدام ناگهانی در هنگام بروز زلزله: همچنین، پاسخ‌گویان این تحقیق اظهار داشته‌اند که اگر زلزله اتفاق بیفتد، اولین اقدامی که انجام می‌دهند به ترتیب عبارت است از: پناه‌بردن به مکان‌های امن برای نجات جان خود (۶۹/۷ درصد)، نجات خانواده و دیگران (۱۰/۴ درصد) و حفظ آرامش و خون‌سردی (۳/۷ درصد).

میزان آمادگی در زمان وقوع سوانح طبیعی: در زمینه‌های حفظ سلامتی، جان، اموال و خانواده، آمادگی جسمانی، مهارت‌های مختلف مانند رانندگی و شنا، آشنایی با جعبه کمک‌های اولیه، آرامش و اعتمادبه‌نفس و دادن روحیه به افراد کم سن و سال، مردان از دانش آمادگی بالاتری نسبت به زنان برخوردارند. اما در زمینه‌های آگاهی از شرایط قاعدگی زنان و آگاهی از شرایط بارداری زنان که اموری بیشتر مربوط به زن‌هاست، زنان دانش آمادگی بالاتری نسبت به مردان داشتند.

نیازهای زنان در سوانح طبیعی

نیازهای زنان قبل از وقوع سوانح طبیعی: برگزاری کلاس‌های آموزشی امداد و نجات و کمک‌های اولیه (۲۸/۷ درصد)، رعایت شرایط استحکام ساخت‌وساز نقاط امن (۲۱/۱ درصد) و آگاهی و اطلاع‌رسانی به زنان (۱۸/۶ درصد) به ترتیب نیازهای مهمی هستند که پاسخ‌گویان این تحقیق بر این باور بوده‌اند توجه به آن‌ها در زمان قبل از وقوع سوانح طبیعی موجب کاهش آسیب‌پذیری زنان می‌شود.

نیازهای زنان در حین وقوع سوانح طبیعی: دادن اعتمادبه‌نفس و حفظ خون‌سردی (۲۶ درصد)، ایجاد مکان‌های امن (۲۰/۹ درصد) و امدادرسانی به موقع (۱۳/۴ درصد) به ترتیب نیازهای مهم زنان در حین وقوع سوانح طبیعی هستند.

نیازهای زنان پس از وقوع سوانح طبیعی: نیازهای مهم زنان در زمان بعد از وقوع سوانح عبارت‌اند از: تأمین نیازهای مختلف عاطفی و روحی و روانی مانند دادن اعتمادبه‌نفس و آرامش در مورد کنار آمدن با شرایط و... (۲۷/۹ درصد)، کمک به مصدومان و امداد رسانی (۲۱/۱ درصد) و اطلاع‌رسانی به‌موقع (۷/۸ درصد).

نقش دولت در کاهش ریسک آسیب‌پذیری زنان

وضعیت انجام‌دادن اقدامات از سوی مسئولان برای کاهش خطر آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی: حدود ۶۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که مسئولان برای کاهش آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی اقداماتی را انجام نداده‌اند. این در حالی است که ۳۵/۳ درصد از پاسخ‌گویان اذعان به انجام‌دادن اقداماتی در این زمینه از سوی مسئولان داشته‌اند.

نوع اقدامات انجام‌شده از سوی مسئولان برای کاهش خطر آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی: اصلاح وضعیت ساختار مهندسی ساختمان‌ها مانند بازسازی دوباره ساختمان‌ها، نظارت دقیق‌تر و... (۸/۷ درصد)، آموزش از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها (۸ درصد) و دادن آگاهی و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های سمعی و بصری (۷/۴ درصد) به ترتیب اقدامات مهمی هستند که پاسخ‌گویان بر این باور بوده‌اند مسئولان تاکنون در جهت کاهش خطر آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی انجام داده‌اند.

میزان کارساز بودن اقدامات مسئولان برای کاهش آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی: حدود ۱۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان اقدامات انجام‌شده از سوی مسئولان در جهت کاهش آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی را در حد متوسطی کارساز ارزیابی کرده و درعین حال ۷ درصد از آنان نیز میزان کارساز بودن این اقدامات را زیاد عنوان کرده‌اند.

اقدامات لازمه مسئولان در جهت افزایش توانمندی اقتصادی زنان در زمان بعد از سوانح: مسئولان باید از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی برابر (۱۷/۶ درصد)، کمک و همیاری دولت (۱۶/۷ درصد) و برگزاری دوره‌های آموزش حرفه‌ای برای زنان (۱۴/۵ درصد) به افزایش توانمندی اقتصادی زنان در زمان بعد از سوانح طبیعی کمک کنند.

نقش زنان در کاهش ریسک آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح طبیعی

نقش زنان در کاهش آسیب‌پذیری: زنان می‌توانند از طریق کسب آموزش و آمادگی لازم در برخورد با مشکلات (۲۶/۹ درصد)، فراگیری کمک‌های اولیه و امدادی (۲۶/۳ درصد) و حفظ آرامش و اعتمادبه‌نفس (۱۴/۳ درصد) عوامل آسیب‌پذیری خود در برابر سوانح طبیعی را کاهش دهند.

نقش زنان در بازسازی شرایط بعد از سوانح: زنان می‌توانند از طریق امداد رسانی (۲۱/۲ درصد)، حفظ روحیه خود و دادن روحیه به دیگران و ابراز همدلی (۲۰/۶ درصد) و برقراری

ارتباط و درخواست کمک از مأموران امداد و سوانح (۱۶/۷ درصد) به بازسازی اوضاع و شرایط اقتصادی، اجتماعی و روانی بعد از سوانح طبیعی کمک کنند.

موانع مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی: نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای (۲۶/۹ درصد)، عدم اعتقاد دولت، نهادهای محلی و مردم به توانمندی زنان (۲۴/۷ درصد) و موانع فکری مدیران و تصمیم‌گیران برای دادن نقش‌های تصمیم‌گیری به زنان کارآمد (۱۴/۵ درصد) به ترتیب موانع مهم مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی هستند.

راه‌کارهای افزایش مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی: درخصوص چاره‌هایی که می‌توان جهت رفع موانع مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی به کار بست، پاسخ‌گویان این تحقیق به ترتیب به موارد ذیل اشاره کرده‌اند: فرهنگ‌سازی بین آحاد جامعه (۵۰ درصد)، توجه به حقوق زنان و اهمیت‌دادن به جایگاه زن (۱۵/۲ درصد) و بسترسازی و اقناع مسئولان نسبت به پذیرش مشارکت زنان در مدیریت (۱۵ درصد).

اولویت گروه‌های تأثیرگذار بر کاهش آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی: پاسخ‌گویان بر این باور بوده‌اند که مردم با همکاری مسئولان دولتی (۲۹ درصد)، مسئولان دولتی (۲۵/۶ درصد) و خود مردم (۲۳/۳ درصد) به ترتیب گروه‌های مهمی هستند که باید شرایط اقتصادی، اجتماعی و روانی پس از سوانح طبیعی را بازسازی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج تحقیق حاضر، به‌زعم قریب به دوسوم (۶۴ درصد) پاسخ‌گویان، در زمان وقوع سوانح طبیعی، زنان بیشتر از مردان آسیب می‌بینند. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی نیز، یک الگوی تفاوت جنسیتی در همه سطوح فرایند سوانح طبیعی اعم از در معرض ریسک قرار گرفتن، برداشت از ریسک، آمادگی، پاسخ، تأثیر فیزیکی، تأثیر روان‌شناختی، تأثیر جامعه‌شناختی، بازیابی و بازسازی وجود دارد [۳۰]. طبق بررسی‌های آکسفام^۱ نیز، سوانح ذاتاً تبعیض‌آمیز هستند، زیرا ساختارهای اجتماعی قبل از وقوع سوانح (مانند فقر، سیاست‌های مسکن و دارایی، حقوق زنان و نقش‌های جنسیتی) تعیین می‌کنند چه کسانی بیش از همه از یک سانحه طبیعی تأثیر می‌پذیرند.

همچنین، در حوزه‌های مختلف آسیب‌پذیری زنان در سوانح، نتایج نشان داد که در زمینه بهداشت، مهم‌ترین نیازهای زنان در سوانح عبارت بودند از: ۱. نبود آب شرب بهداشتی بعد از وقوع سوانح؛ ۲. عدم توزیع امکانات اولیه پزشکی؛ ۳. نبود تیم‌های پزشکی مرکب از زنان در حوزه‌های بهداشت، درمان، زنان و زایمان و...؛ ۴. نامناسب بودن شرایط حمام؛ ۵. بی‌توجهی به

1. Oxfam

امکان‌ات زایمان زنان. مطالعات داخلی [۳؛ ۴] و خارجی [۶؛ ۷؛ ۸؛ ۲۰؛ ۲۳؛ ۳۰] نیز نشان دادند که یکی از نیازهای شایع زنان در سوانح طبیعی نیازهای بهداشتی است.

در مورد با آسیب‌های مهم روان‌شناختی زنان در زمان سوانح طبیعی، مطالعه نشان داد که: ۱. احساس فقدان و ازدست‌دادن عزیزان در زمان بعد از واقعه، ۲. احساس ناامنی و ترس در برابر سوانح طبیعی، ۳. احساس گناه و سرزنش به دلیل نجات‌ندادن اعضای خانواده، ۴. ترس از وقوع مجدد حادثه و ۵. بی‌نظمی‌ها و فشارهای عاطفی، روحی و روانی به ترتیب آسیب‌پذیری‌های مهم در این حوزه به شمار می‌روند. بین مطالعات داخلی [۳؛ ۴] و خارجی [۱۲؛ ۲۰؛ ۲۳؛ ۲۵؛ ۲۹] هم نتایجی مشابه در زمینه آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی زنان در سوانح طبیعی حاصل شد.

در زمان بعد از سوانح، زنان آسیب‌های دیگری را در زمینه اجتماعی و فرهنگی تجربه می‌کنند، از جمله: ۱. نداشتن امنیت در کمپ‌ها، ۲. اطلاع‌رسانی ناکافی در خصوص وضعیت سلامت سایر اعضای خانواده، ۳. اطلاع‌رسانی ناکافی در خصوص امکانات و خدمات خاص زنان، ۴. پوشیده‌نبودن کمپ‌ها و رعایت‌نکردن حریم خصوصی، ملاحظات مذهبی و حُجُب و حیا و ۵. امکان سرقت بیشتر از زنان در مقایسه با مردان. سوانح طبیعی آسیب‌های اقتصادی را هم برای زنان به همراه دارند که مهم‌ترین آن ناامنی اقتصادی، فقدان اشتغال و محرومیت از دسترسی به مالکیت زمین بعد از فوت شوهر است.

اما در زمینه دلایلی که به آسیب‌پذیری بیشتر زنان در سوانح طبیعی منجر می‌شود، همان‌طور که انارسون معتقد است، نمی‌توان ریشه آن را فقط یک عامل دانست، بلکه عوامل متعددی در آن دخیل‌اند. انارسون ریشه اصلی آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی را بی‌عدالتی جنسیتی عنوان و اشاره می‌کند که سه عامل فرودستی زنان، موانع ایدئولوژیکی و تسلط مردان بر امر تصمیم‌گیری به گونه‌های متفاوتی موجب تشدید آسیب‌پذیری زنان در برابر سوانح می‌شوند؛ مثلاً، فرودستی زنان علت ریشه‌ای آسیب‌پذیری آنان در برابر سوانح طبیعی است. ناامنی اقتصادی زنان (مانند نرخ بالای فقر، کار مشروط، کار خانگی، فقدان اعتبار و پس‌انداز) نیاز آنان به دریافت مساعدت مالی بعد از سوانح را افزایش می‌دهد. این تحقیق نیز دریافت که اشتغال‌نداشتن زنان و فقدان امنیت اقتصادی آنان نقش مهمی در آسیب‌پذیری آن‌ها در زمان بلایای طبیعی دارد. این نتیجه مقارن با نتایجی است که مطالعات خارجی در زمینه نقش بیکاری [۸؛ ۱۲؛ ۳۰] و وابستگی اقتصادی زنان به مردان [۲۰] در آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی دریافتند. درعین حال، ۵/۴ درصد از پاسخ‌گویان حضور زنان در منزل به دلیل کار خانگی را دلیل اصلی آسیب‌پذیری آنان در سوانح ذکر کرده‌اند.

موضوع دیگر در ارتباط با آسیب‌پذیری اقتصادی زنان در سوانح، وضعیت درآمدی و اشتغال زنان در زمان بعد از وقوع سوانح طبیعی است که در این زمینه انارسون معتقد است سوانح

طبیعی چهار پیامد کلی بر اشتغال زنان دارد: ۱. افزایش فقدان امنیت اقتصادی زنان، ۲. افزایش ناگهانی فشار کار بر زنان، ۳. افزایش وخامت شرایط کاری زنان در حوزه مسئولیت سرپرستی خانوار و پرداخت حقوق در محل کار و ۴. افزایش خسارات و عوارض اقتصادی و فاصله طولانی تر بازتوانی اقتصادی زنان نسبت به مردان [۱۲].

همچنین، موانع ایدئولوژیکی در زمینه تحرک زنان، به منزله یک عامل مهم فرهنگی، موجب تحدید دسترسی آنان به اطلاعات لازم برای نجات زندگی، پناهگاه یا کالاهای امداد می شود. نتیجه تحقیق حاضر نیز نشان داد که نه تنها میزان دانش زنان در زمینه سوانح طبیعی در حد نازلی قرار دارد، بلکه تفاوت بسیاری بین میزان اطلاعات زنان و مردان در زمینه سوانح طبیعی وجود دارد و حتی تفاوت این اطلاعات بین زنانی که تجربه این سوانح را داشته و کسانی که فاقد چنین تجربه ای بودند معنادار است. کومارا، سیسیرا و هانداپانگودا [۲۰] نیز در مطالعه خود دریافتند که یکی از عوامل مهم و مؤثر بر آسیب پذیری بیشتر زنان در سوانح طبیعی دسترسی کمتر به اطلاعات و دانش سوانح است که خود بر اثر دسترسی کمتر به منابع اطلاعاتی اتفاق می افتد.

در رابطه با دلایل برتری دانش سوانح طبیعی بین مردان نسبت به زنان، نتیجه دیگر مطالعه نشان داد که حتی میزان شرکت زنان در مانورهای سازمان های مختلف بسیار پایین تر از مردان است و طبیعی است که در صورت میزان پایین شرکت زنان در مانورهای مختلف، شاهد دانش و اطلاعات کمتر آن ها نسبت به شرایط مختلف سوانح مانند انواع، زمان وقوع، نحوه مقابله، نحوه کنار آمدن و... هستیم. نتایج بعدی تحقیق نیز نشان داد که در زمینه هایی مانند حفظ سلامتی، جان، اموال و خانواده، آمادگی جسمانی، مهارت های مختلف مانند رانندگی و شنا، آشنایی با جعبه کمک های اولیه، آرامش و اعتماد به نفس و دادن روحیه به افراد کم سن و سال، مردان از آمادگی بالاتری نسبت به زنان برخوردارند.

تسلط مردان بر کانون های تصمیم گیری راجع به سوانح نیز عاملی است که موجب آسیب زدن به تمایل زنان برای تخفیف تأثیرات شناخته شده حوادث (مانند انتقال دام، ابزارها و یا وسایل خانواده به مکان های امن و تصمیم گیری راجع به نحوه تخلیه منازل) می شود و کمک های امدادی را از نیازهای خانواده به علایق و منافع فردی جهت می دهد. در نتیجه این امر، شاهد حاکمیت گرایش جنسیتی بر برنامه های امداد و بازسازی هستیم (مثلاً، هدف مند کردن بودجه ها به سرپرستان مرد خانوار و محدود کردن کار زنان در مرحله بهبود سوانح). بنابراین، طبیعی است که این سلطه مردان بر تصمیم گیری در زمان قبل از سوانح، به زمان بعد از آن نیز تسری یابد و باعث حضور نداشتن زنان در مدیریت ریسک سوانح شود. نتیجه تحقیق حاضر نیز بر نتایجی مبنی بر همین موضوع دلالت داشت؛ به طوری که ۴۲ درصد از پاسخ گویان بر این باور بوده اند که نابرابری زنان با مردان در دریافت امکانات و تجهیزات یکی از آسیب پذیری های مهم اجتماعی و فرهنگی آنان در زمان بعد از وقوع سوانح طبیعی است. از

طرفی، ۲۷ درصد از پاسخ‌گویان حضور نداشتن زنان در مراحل مختلف بازسازی در زمان پس از وقوع سوانح را به‌منزله یکی از حوزه‌های آسیب‌پذیری آنان اشاره کرده‌اند. نتیجه این تحقیق مبنی بر ضعف مشارکت زنان در مدیریت ریسک سوانح طبیعی، مقارن با نتایجی است که مطالعات خارجی در زمینه حضور نداشتن زنان در تصمیم‌گیری [۸؛ ۹] و مدیریت کمپ‌ها، به‌خصوص هنگام تخصیص پناهگاه‌ها و کمک‌ها [۶]، دریافتند.

بنابراین، بررسی وضعیت زنان در زمان بعد از وقوع سوانح نشان می‌دهد که به لحاظ تاریخی، در جامعه ایران و به‌طور عام در جوامع در حال توسعه، حتی در مدیریت و بازسازی سوانح طبیعی نیز زنان نقشی مهم و تا اندازه‌ای به رسمیت نشناخته دارند. به‌عبارتی، حتی در زمینه مدیریت سوانح نیز با نوعی تقسیم کار جنسیتی مواجهیم. بدین معنا که زنان درگیر نقش‌های کوچک و عموماً کارهای خدماتی می‌شوند و در عوض مردان بر امور تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری متمرکزند. البته در اینجا نمی‌توان منکر برتری قدرت فیزیکی مردان بر زنان شد و همین قدرت فیزیکی گاهی باعث توانمندی و اعتمادبه‌نفس بالاتر و گرفتن مسئولیت بیشتر و گسترده‌تر می‌شود.

خشونت جنسی و خانگی علیه زنان نیز عامل دیگری است که میزان آسیب‌پذیری آنان را، به‌ویژه در زمان بعد از سوانح، شدت می‌بخشد [۱۱؛ ۱۲؛ ۲۸]. تحقیق حاضر نیز نشان داد که در زمان سوانح، خشونت علیه زنان به‌طرزی چشم‌گیر افزایش می‌یابد. مطالعات خارجی متعدد [۹؛ ۱۲؛ ۱۹؛ ۲۰] نیز به افزایش خشونت علیه زنان، اعم از زبانی و فیزیکی، در زمان بعد از سوانح اذعان داشته‌اند.

نتیجه شایان ذکر اینکه دلایل روان‌شناختی و بیولوژیکی دلایل دیگر افزایش آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی هستند که مردان تا حدود زیادی از آن مبرا هستند. دلایل روان‌شناختی عمدتاً شامل دلایل روحی و روانی مانند عاطفی‌بودن، داشتن عکس‌العمل‌های عاطفی در سوانح، داشتن ترس و اضطراب و... است و دلایل بیولوژیکی نیز به دلایل جسمانی و فیزیکی زنان محدود است که نتایج آن‌ها را به‌منزله دلایل اصلی آسیب‌پذیری زنان در سوانح نشان داده است. بین ادبیات خارجی نیز، مطالعات عدیده‌ای [۱۲؛ ۲۰؛ ۲۳؛ ۲۵؛ ۲۹] دریافتند که عامل روان‌شناختی سهم مهمی در آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی دارد.

دلالت یافته‌ها بر آن است که سوانح طبیعی ذاتاً پدیده‌های اجتماعی‌اند و بنابراین در ساختار یا نظام اجتماعی ریشه دارند. از این‌رو، آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی را می‌توان نتیجه ساختارهای اجتماعی و نظام‌های ارزشی و معرفتی آن دانست. بررسی کیفیت تأثیر سوانح طبیعی بر الگوهای رفتار زنان و همچنین تأثیر آن‌ها بر کارکردهای زنان، ایجاد اختلال در حیات اجتماعی زنان، نظام بقای بیولوژیکی زنان (یعنی معاش، پناهگاه، بهداشت و تولیدمثل)، نظام نظم زنان (یعنی تقسیم کار، انگاره‌های قدرت و اقتدار، هنجارهای فرهنگی و نقش‌های اجتماعی)، نظام معنا

در بین زنان (یعنی ارزش‌ها، تعاریف مشترک از واقعیت و مکانیسم‌های ارتباطی) از دیگر مقولاتی است که در این تحقیق برای بررسی وضعیت زنان در سوانح طبیعی استفاده شد. مطالعات نظری نشان داد که وضعیت زنان در سوانح بیانگر سندرومی به نام **حاشیه‌ای‌شدن** است که این سندروم هم در زمان قبل و هم در زمان بعد از سوانح در فقر آنان ریشه دارد که خود متأثر از ساختارهای اجتماعی است. یافته‌ها حاکی از آن است که تفکیک نقشی زن و مرد، موجب تولید و بازتولید آسیب‌پذیری جنسیتی در سوانح طبیعی می‌شود. بر این اساس، حاکمیت مردان بر جامعه و غالب‌شدن نگرش مردسالارانه در جامعه و نیز در نتیجه فرایندهای جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن، باورهای قالبی و انتظارات مربوط به نقش جنسیتی بین زنان و مردان شکل می‌دهد که براساس آن نقش زن خانه‌داری و نقش مرد کار در بیرون از خانه است. این امر به نوبه خود بر حیات روزمره آن‌ها و در زمان وقوع بحران بر ارزیابی از ریسک، پاسخ به ریسک، آمادگی خانواده، تخلیه منزل، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خانواده، دریافت مساعدت از سازمان‌های ذی‌ربط و بازسازی تأثیر می‌گذارد.

الزامات سیاستی

- اتخاذ و کاربست رویکرد جنسیتی به سوانح طبیعی در سطح سیاست‌گذاران، مسئولان و کارشناسان و نیز رویکرد عدالت جنسیتی در مدیریت خطرپذیری به منظور حذف موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، اداری و... در جهت توانمندسازی زنان؛

- انجام‌دادن تحلیل جنسیتی از آسیب‌پذیری شهروندان با رعایت ملاحظاتمانند: ۱. تدوین و معرفی فرایندی جامع از تحلیل جنسیتی آسیب‌پذیری؛ ۲. تدوین شاخص‌های مشخص برای بررسی آسیب‌پذیری جنسیتی و همچنین خواسته‌ها، نیازها، اولویت‌ها و علایق زنان؛ ۳. تهیه نقشه‌های آسیب‌پذیری اجتماع با هدف شناسایی منابعی مانند مراکز محلی، پارک‌ها، گروه‌های خدمات محلی و شبکه‌های پاسخ محلی؛ ۴. ایجاد پایگاه جامع داده و اطلاعات از کاربری اراضی، جمعیت‌شناختی، زیرساخت‌ها، اقلیم و آب‌وهوا، موجودی منابع دولتی و غیردولتی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی و جمع‌آوری و تحلیل جنسیتی همه اطلاعات مربوط به وضعیت آوارگان؛

- حذف نگاه سنتی به تقسیم کار جنسیتی، زن‌بودگی و فرهنگ‌سازی بین‌آحاد مردم جامعه به رفع کلیشه‌های جنسیتی با هدف شکوفاسازی قابلیت‌ها و استعدادها و تقویت حس اعتمادبه‌نفس، خودابرازی و خوداتکایی زنان؛

- گسترش مشارکت زنان در مراحل مختلف مدیریت ریسک خطرپذیری همچون شرکت در ارزیابی آثار سوانح و نیازها؛ شرکت در برنامه‌ریزی برای شاخص‌های انتخاب مکان‌ها و جمعیت‌های هدف، آموزش‌های کاهش خطر در بازسازی، کمک در فرایندهای جبران خسارت و همچنین

تضمین جریان‌یابی جنسیت در اجرا، نظارت و ارزش‌یابی برنامه‌ها؛ شرکت در تهیه و اجرای پروژه‌های بازسازی و مدیریت مالی آن‌ها؛ شرکت در پایش و ارزیابی برنامه‌های بازسازی از طریق حضور فعال در کمیته‌های راهبردی و نظارتی؛ توجه به دیدگاه‌های سازمان‌های محلی زنان؛

- اتخاذ دیدگاهی جامع و یکپارچه در زمینه آموزش و توانمندسازی زنان، ارائه برنامه‌های آموزشی مدون و مستمر لازم به زنان به منظور افزایش آمادگی آنان در برابر سوانح طبیعی، برگزاری کلاس‌های آموزشی با محوریت موضوعات مرتبط با حوزه‌های سه‌گانه آسیب‌پذیری فیزیکی و بهداشتی، روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی (مطابق با موارد مطرح‌شده در تحقیق و سایر موارد لازم)؛

- اطلاع‌رسانی مناسب راجع به سوانح طبیعی با استفاده از ابزارهای متعددی چون: ۱. رادیو و تلویزیون کشوری (ملی)؛ ۲. رادیو و تلویزیون استانی؛ ۳. روزنامه‌ها یا مجلات محلی؛ ۴. جزوه‌ها و بروشورهای مرتبط؛ ۵. تابلوهای اعلانات در سطح شهر و محلات (بیلبردها)؛ ۶. سخنرانی‌های مسئولان در اماکن عمومی (امکان حضور عموم) به منظور افزایش دانش زنان نسبت به سوانح طبیعی با هدف تقویت رویارویی آنان؛

- حمایت و تسهیل زمینه برای شکل‌گیری تشکل‌های زنان (به‌ویژه در قالب تعاونی‌ها و انجمن‌های زنان) با هدف گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها.

منابع

- [۱] بوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*. تهران: نی.
- [۲] بحرینی، حسین؛ آخوندی، عباس (۱۳۷۹). *مدیریت بازسازی مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳] پژوهشکده سوانح طبیعی ایران (۱۳۸۵). «طرح جامع کاهش خطر زلزله». تهران.
- [۴] شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلیک (۱۳۸۳). «نیازسنجی زنان و دختران آسیب‌دیده بم پس از زلزله ۱۳۸۲». مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران.
- [۵] محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *روش تحقیق کیفی: ضد روش*. ج ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
- [6] Aceh Consultation (2005). "Why Are Women More Vulnerable During Disasters?, Violations of Women's Human Rights in the Tsunami Aftermath", Asia Pacific Forum on Women, Law and Development, APWLD.
- [7] Amaratunga, Carol (2007). "Disasters, Women's Health and Conservative Society: Working in Pakistan with the Turkish Red Crescent following the Earthquake in Southeast Asia", *World Association for Disaster and Emergency Medicine*.

- [8] Bokil, Milind (n.d.). "Gender Issues in Disaster Management", *Field Representative*, Oxfam-Community Aid Abroad, Pune (India), Maharashtra.
- [9] Bradshaw, Sarah & Linneker, Brian (2001). "The Social Audit of Regions Affected by Mitch in Nicaragua: Evidence and Questions Raised", Disaster, Westport: Connecticut, Praeger.
- [10] Diako, Matete (2012). "Discourses on Autonomy and Marital Satisfaction Among Black Women in Dual-Career Marriages", *Unpublished Dissertation, University of Pretoria*, Pretoria.
- [11] Enarson, Elaine & Morrow, Betty Hearn (1998). "The Gendered Terrain of Disaster", Westport, CT.: Praeger.
- [12] Enarson, Elaine (2004). "Gendering the Agenda of Disaster Risk Management: Good Practices & Blind Alleys", *Applied Disaster and Emergency Studies*, Brandon University, CRHNet, 11 October., Montreal.
- [13] Fothergill, Alice (1998). "The neglect of gender in disaster work: an overview of the Literature, In Enarson & B. H. Morrow (Eds.), *The Gender Terrain*, pp. 11-25.
- [14] Gergen, K. J. (1985). "The social constructionist movement in modern psychology", *American Psychologist*, 40, PP 266-275.
- [15] Global Fund for Women (2005). "Caught in the Storm: The Impact of Natural Disasters on Women", Retrieved from <http://www.globalfundforwomen.org/cms/index.php>.
- [16] <http://www.hyogo.uncrd.or>
- [17] <http://www.unisdr.org>
- [18] <http://www.cred.be>
- [19] Kälin, Walter (2005). "Natural disasters and IDPs 'rights'", Available on www.unhcr.ch/html/menu2/7/b/principles_lang.html.
- [20] Kumara, M. H., Sisira, Ajantha & Handapangoda, Wasana, S. (2005), "Women in Natural Disasters: Role and Vulnerability, A Sri Lankan Case Study Based on Indian Ocean Tsunami Occurred on December 26th 2004", *Faculty of Management Studies and Commerce*, University of Sri Jayewardenepura, Nugegoda, Sri Lanka.
- [21] Militzer, Denise (2008). "Disaster and Gender: The Indian Ocean Tsunami and Sri Lankan Women", *Unpublished Thesis*, University of Toronto, Canada.
- [22] Morrow, Betty Hearn (1999). "Identifying and Mapping Community Vulnerability", *International Hurricane Center*, Florida International University.
- [23] Richter R. & Flowers, T. (2008). "Gendered dimensions of disaster care: critical distinctions in female psychosocial needs, triage, pain assessment, and care", PubMed.
- [24] Scheuren, J-M. & et al. (2008). "Annual Disaster Statistical Review The

- Numbers and Trends 2007", Center for Research on the Epidemiology of Disasters (CREED).
- [25] Thapa, Man B. (2001). "Participatory Disaster Management Programme", Expert Group Meeting on 'Environmental management and the mitigation of natural disasters: a gender perspective. Ankara, Turkey.
- [26] UNDP (1993). "Rehabilitation and Reconstruction", Disaster Management Training Programme.
- [27] United Nations (2007). "Disaster Risk Reduction", Global Review, Geneva: Switzerland.
- [28] White, Belinda (2007). "Disaster Preparedness in the United States. A Project Presented to The Faculty of Humboldt State University In Partial Fulfillment Of the Requirements for the Degree", Master of Arts, Sociology, December.
- [29] Wiest, Raymond E. & et al. (1994). "The Needs of Women in Disasters and Emergencies", Prepared for the Disaster Management Training Programme of the United Nations Development Programme and the Office of the United Nations Disaster Relief Coordinator, Winnipeg, University of Manitoba, 20 June, (Revised Edition), Winnipeg.
- [30] World Health Organization (2002). "Gender and Health in Disasters, Department of Gender and Women's Health", Organization Health World, Geneva, Switzerland.